

## طلایه نوروز و نوبهار

# چهارشنبه‌سوری

# و

## ریشه‌های فرهنگی آن در ایران

امیر الهامی\*

مقدمه

بزرگاری جشن و عید از ویژگیهای فرهنگی تمام جوامع است. از کهن‌ترین زمانها تا به امروز همه فرهنگها در همه سرزمینها روزهایی از سال را جشن می‌گیرند. پژوهشهای مردم‌شناسی، جامعه یا گروهی را سراغ ندارد که مردم آن، روزهایی را به شادی و جشن نپردازند.

تار و پود سنتهای اصیل هر ملتی با احساس و اندیشه افراد آن ملت پیوند ناگسستنی دارد. پیوندی که ریشه‌های آن در اعماق روح نسلها نهفته و طی قرون و اعصار مهمترین عامل اتحاد و همبستگی فکری و روحی در بین طبقات مختلف یک سرزمین بوده است.

پرداختن به ریشه‌ها و تاریخ این جشن‌ها و آیین‌ها کار بسیار دشواری است؛ زیرا هیچ‌یک از آنها پدیده‌ای نیست که به یکباره از میان مردم سر برآورده باشد؛ چه بسا عمر برخی از آنها با عمر یک ملت برابر است.

آیین نوروزی از برجسته‌ترین جشنهای ایرانیان است که مراسم آن با چهارشنبه‌سوری شروع و با سیزده‌به‌در تمام می‌شود. در این مختصر سعی بر آن است تا به تحلیل و بررسی چهارشنبه‌سوری به‌عنوان اولین آیین نوروزی پرداخته شود.

اهمیت و ارزش این یادگارهای ارزنده، با پیشینه تاریخی آنها رابطه مستقیمی دارد و بدیهی است این اعیاد و آیین‌ها و رسوم، در بین جوامع مختلف مردمی چون ایرانیان که از تاریخ تمدن کهنی برخوردار هستند، تنوع و شکوه بیشتری می‌یابد. بررسی اوضاع و احوال گذشته و حال ملتها، گویای این حقیقت است که سنت‌ها و شعایر دیرین یک ملت در تحکیم مبانی فرهنگ آن نقش بسزایی داشته است و حتی قوی‌ترین نیروهای مهاجم که در مدت کوتاه یا بلندی کشوری را مغلوب کرده‌اند قادر به نابودی و محو کلی سنت‌ها و آیینهای آن کشور نبوده‌اند.

\* - کارشناس زبان و ادبیات فارسی و دبیر انجمن علمی دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان.

### اهمیت آیینهای نوروزی

آیینهای نوروزی از یادگارهای مردم آشنای فرهنگی - ملی ما هستند که گاه یک تنه بار نگهداری از عناصر سازنده فرهنگ ما را به دوش کشیده اند. این رسوم تا امروز مانند پهلوان کوه پیکر قوی پنجه ای در هجوم بی امان دشمنان سینه سپر کرده و پای مردی بر زمین فشرده اند و سرداران ارزنده اما زخمی شده شان را - که ما مردمیم - در پناه خویش گرفته اند و این پشتوانه های فرهنگی بوده اند که از زوال و فنای فرهنگ ما جلوگیری کرده اند، چه ملتی که فاقد پشتوانه فرهنگی است، محکوم به فناست.

در این مختصر برآنیم تا با جست و جوی در وجه تسمیه چهارشنبه سوری و علت و زمان نسبت آن به چهارشنبه و بررسی اعمال مرسوم در این شب، ضمن شناسایی ریشه تاریخی این رسم، سیر تحول آن و از همه مهمتر انگیزه های اجتماعی هنجارهای این آیین را بررسی کرده و رد پای رسوم آن را در سایر کشورها دنبال کنیم تا زمینه معرفی هر چه بهتر این پشتوانه فرهنگی را فراهم آوریم.

زمان برگزاری جشن قبل از اسلام در تاریخ بخارا به عنوان یکی از قدیمی ترین آثاری که از این روز، نامبرده، آمده است: «آنگاه امیر

سدید «رشید» - منصور بن نوح - بنشست [هنوز] سال تمام نشده بود که چون شب سوری چنانکه عادت قدیم است آتشی عظیم افروختند ...<sup>۱</sup>

در عبارت یاد شده آمده چنانکه عادت قدیم است و اشاره ای است آشکار به اینکه این سنت رسمی کهن بوده است. همچنین با توجه به عبارت یاد شده که از این جشن با شب سوری یاد می کند و در نظر گرفتن اینکه در تقویم و روزشماری ایرانیان اسامی ایام هفته، شنبه و چهارشنبه و آدینه وجود نداشته،<sup>۲</sup> بر ما مسلم می شود که زمان برگزاری آن چهارشنبه نبوده است. هرچند دقیقاً روشن نیست که هنگام برگزاری این آیین در پایان سال چه وقت بوده است، اما می دانیم که تاریخ برگزاری جشن سوری در ایران باستان از سه مرحله بیرون نیست. زمان آن یا در بیست و ششم ماه اسفند، یعنی نخستین شب پنجه کوچک، یا در اولین شب پنجه بزرگ که همان پنج روز کیسه است یا در آخرین شب سال بوده است.<sup>۳</sup>

برای برگزاری جشن و آیین شب سوری در این سه هنگام، سه انگیزه و علت می توان برشمرد.

نخست آنکه علت جشن و آتش افروزی برای جشن فروردگان بوده است. در ایران

باستان، ماه فروردین ماه فرورهاست. فرورها گونه ای از روان آدمی یا نوعی همزاد آدمیان هستند. «همان گونه که هر یک از آفریدگان مادی یک اصل مینوی دارند، انسان هم یک خود آسمانی دارد که (فرّوشی) یا فرور اوست».<sup>۴</sup>

بنا بر اعتقاد، فرورها به مدت ده شبانه روز از جایگاه اصلی شان در آسمان به زمین می آیند و میان بازماندگان و خانه و خانواده شان زندگی می کنند و

۱- محمد بن جعفر نرشخی، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القبادی، تصحیح و تحشیة مدرس رضوی، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، چاپ دوم، انتشارات توس، ص ۳۷.

۲- در ایران باستان هر روز از ایام ماه نامی داشت (۱) اورمزد (۲) بهمن (۳) اردیبهشت (۴) شهریور (۵) سپندارمذ (۶) خرداد (۷) ارداد و ...

۳- داثم رضی، گاه شماری و جشنهای ایران باستان، ص ۱۸۳ و ۱۸۵. در باره لفظ پنجه باید یادآور شوم که هر یک از دوازده ماه ایران باستان دارای سی روز بود، در نتیجه سال ۳۶۰ روز داشت. بنابراین هر سال شمسی پنج روز کم داشت و برای جبران آن در آخر سال پنج روز به آن می افزودند تا سال شمسی درست ۳۶۵ روز شود. این کیسه را در عربی خمسه مسترقة و در فارسی پنجه دزدیده یا بهیزک گویند. از ۲۶ اسفند تا ۳۰ اسفند را پنجه کوچک و پنج روز کیسه را پنجه بزرگ می نامیدند (فرهنگ معین ج ۱).

۴- جان هینلز، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی، ص ۹۱.

در شب ورود آنها یکی از سنت‌ها و واجبات معمول آتش افروختن بر سر بام و در کوی و برزن بوده است.<sup>۵</sup> تا قبل از بیست و پنجم اسفند، که در آن شب فروهرها فرود می‌آیند، مردم با دقت به رفت و روب و تمیز کردن خانه و زندگی می‌پردازند. به گرمابه رفته، لباس نوبه تن می‌کنند و در اتاقها بویژه اتاق در گذشتگان خانه، نقل و نبات و شیرینی و میوه و... می‌نهند. نقارها را برطرف کرده و به صلح و آشتی بدل می‌کنند. به امید آنکه چون روان آنها فرود آید شاد باشند و راضی از بازماندگان به دعا و برکت دادن آنها بپردازد. مشعل افروختن بر سر قبور و زیارت اموات که در شب چهارشنبه‌سوری انجام می‌گیرد ممکن است باقی مانده از همین اعتقاد باشد.<sup>۶</sup>

بنا به روایتی هم جشن فروردگان در پنج روز کیسه سال بوده است.<sup>۷</sup> این پنج روز جشن گاهنبار همسپتدم (Hamaspamadam) بوده است که با هم بودن و با هم گرد آمدن معنی می‌دهد. معتقد بودند، خلقت انسان در این پنج روز به مرحله عمل رسیده، از آنجا که جشن اصلی هر گاهنباری روز پنجم آن برگزار می‌شده است و چهار روز مقدم، صرف تهیه و آمادگی مقدمات جشن بوده، پس آخرین روز سال یعنی آخرین روز پنجه بزرگ، شب و

روز همسپتدم یا آفرینش انسان بوده، که با شادمانی و افروختن آتش‌های فراوان و مراسمی متنوع برگزار می‌شده است. کل آفرینش در محدوده‌ای دوازده هزار ساله است که به چهار سه‌هزار سال تقسیم می‌شود در آغاز یکی از این سه هزار سالها اورمزد، اهریمن را با مهارت به خواب سه‌هزار ساله فرو می‌برد و از این خواب اهریمن برای آفرینش شش پیش‌نمونه گیتی (آسمان، آب، زمین، گیاه، چهارپای سودمند و مردم) استفاده می‌کند. این کار را در شش گاه با فاصله‌های نابرابر و مدت یک‌سال به انجام می‌رساند. سالگردهای این آفرینش که معمولاً به صورت جشنهای پنج روزه است در آیین ایران باستان گاهنبار نام دارد. آخرین گاهنبار سالگرد آفرینش انسان است و پنج روز آخر سال یعنی پنج روز کیسه را در بر می‌گیرد. سالگرد این پنج روز پایانی سال که دوازده ماه سی‌روزه را در پشت سر دارد، مدخلی بر نوروز است.<sup>۸</sup>

هنوز هم در سنندج برخلاف اکثر شهرستانها، مراسم آتش افروختن و پریدن از روی آن در شب چهارشنبه‌سوری انجام نمی‌شود. این آیین در سنندج باشکوه بیشتری در شب عید نوروز انجام می‌شود.<sup>۹</sup> که می‌تواند نشان از این اعتقاد داشته باشد.

همچنین در این رابطه استاد جمشید مظاهری (سروشیار) نکته‌ای در فصلنامه هستی نقل کرده‌اند، که «عوام فرس را عادت بر این بود که شب جشن نوروز آتشی عظیم بر فرزند و بامدادان بر یکدیگر آب فشانند و برای آب فشاندن گفته‌اند آن برای پاک کردن تن است از دودی که در شب نوروز از آتش افروخته بدان نشیند».<sup>۱۰</sup>

### چرا چهارشنبه

اما در باب اینکه چرا برگزاری این جشن در بعد از ایام تنظیم هفته در شب چهارشنبه آخر سال صورت می‌گیرد آرای متفاوتی است.

دکتر مهرداد بهار عقیده دارد که برگزاری این مراسم در شب چهارشنبه آخر سال شاید به دلیل عدد ۴ و معرف چهار فصل بوده است.<sup>۱۱</sup>

۵- هاشم رضی، گاه‌شماری و جشنهای ایران باستان، ص ۱۸۶.

۶- یادآوری استاد ارجمند جناب آقای دکتر نوریان.

۷- پیشین، ص ۱۸۶

۸- ژاله آموزگار، مقاله نوروز، مجله کلک.

۹- احمد فریقی، چهارشنبه‌سوری در سنندج، مجله هنر و مردم، شماره ۱۸۴-۱۸۵، ص ۱۲۰.

۱۰- جمشید سروشیار، جشن نوروز، فصلنامه هستی، شماره بهار ۱۳۷۳، ص ۱۵۳.

۱۱- مهرداد بهار، جستاری چند در فرهنگ ایران، چ اول، ص ۲۲۱.

## تار و پود سنتهای اصیل هر ملتی با احساس و اندیشه

### افراد آن ملت پیوند

ناگسستگی دارد.

پیوندی که ریشه‌های آن  
در اعماق روح نسلها نهفته  
و طی قرون و اعصار  
مهمترین عامل اتحاد  
و همبستگی فکری و روحی  
در بین طبقات مختلف  
یک سرزمین بوده است.

تناسب داشته و شاید تجمع بر  
آتش نوعی تدافع و پناه‌جویی هم  
به‌شمار می‌آمده است. در همین  
راستا باید متذکر شویم سخن  
کریستن‌سن را که معتقد است  
برافروختن آتش نوعی دعا برای  
دفع پری و شیاطین بوده است.

اعتقاد به نحوست این روزها  
را می‌توان متأثر از فرهنگ  
بین‌النهرین دانست،<sup>۱۶</sup> و یادآور  
شد که بنای حکومت‌های باستان  
از جمله هخامنشیان بر اساس  
تساهل نسبت به عقاید و آرای  
دیگران بوده است و به‌خصوص  
که در پذیرش متقابل از فرهنگ و  
دانش دولتهای بیگانه مقاومتی  
نمی‌کردند. هاشم رضی نیز  
می‌نویسد «روز شماری کتونی بر  
اثر ورود اعراب به ایران باب  
شد. بی‌گمان سالی که این جشن

سال که به عقیده آنها بدترین  
روزهای سال به‌شمار می‌رود و  
بنابر آنچه از پیشینیان آنها روایت  
شده و خودشان تجربه کرده‌اند،  
در این روز هیچ شانس نداشته و  
روز خوبی برای هیچ‌کس به‌شمار  
نمی‌رود، به همین جهت بیشتر  
مردم دست از کار می‌کشند و  
دکانها را می‌بندند از خانه کمتر  
خارج شده و حتی المقدور کمتر  
حرف می‌زنند».<sup>۱۴</sup>

در ضمن می‌دانیم که اجتماع  
و دور هم جمع شدن در شبهای  
نحس جزء فرهنگ ماست،  
به‌طور مثال در شب یلدا که  
طولانی‌ترین شب سال است و  
اعتقاد بر این است که در این  
شب اهریمن فرمانروایی می‌کند،  
مردم برای دوری از آسیب  
اهریمن دور هم جمع می‌شوند،  
لذا اجتماع به دور آتش در این  
شب را می‌توان فرار از نحوست  
و سلطه دیوان دانست؛<sup>۱۵</sup> خاصه  
اگر توجه کنیم که ارواح پلید مثل  
شیاطین با تاریکی و ظلمت

همچنین گویا نوعی نحوست  
برای چهارشنبه یا به‌طور خاص  
چهارشنبه آخر سال قایل  
می‌شدند. شواهد زیر گواه بر  
این مدعا است:

چهارشنبه که روز بلاست باده بخور  
به ساتگین می‌خور تا به عافیت گذرد  
«منوچهری دامغانی»

بشد چهارشنبه هم از بامداد

بدین باغ که امروز باشیم شاد

«فردوسی»

ستاره‌شمر گفت بهرام را

که در چهارشنبه مزن گام را

«فردوسی»

در کسردستان آخرین

چهارشنبه سال به‌نام (کوله

چوارشه‌ممو) به‌معنی چهارشنبه

کوتاه و مجازاً چهارشنبه نحس

مشهور است.<sup>۱۲</sup>

در بسین ترکان قبرس و

همچنین در شرق ترکیه، حوالی

دریاچه وان و ارزروم هم ضمن

مراسم نوروزی - که آنرا عید

پایان زمستان می‌دانند - مراسم

چهارشنبه‌سوری برپا می‌شود.

برپایی آن معمولاً در هفته اول

مارس است و آنرا چهارشنبه

سیاه می‌نامند.<sup>۱۳</sup>

آدام اولتاریوس که در دوره

شاه صفی جانشین شاه‌عباس اول

به ایران سفر کرده است، درباره

چهارشنبه‌سوری در سفرنامه‌اش

می‌نویسد: «چهارشنبه‌سوری

ایرانی‌ها یعنی آخرین چهارشنبه

۱۲- سیدمحمد صمدی، نوروز و آیین  
آن در میان کردان، مجله فرور، سال  
سی‌ام، شماره ۱۲ و ۱۱، ص ۵.

۱۳- نصرت‌الله ضیایی، نوروز بیرون از  
مرزهای ایران، ایران فردا، شماره ۳۱،  
ص ۲۵.

۱۴- آدام اولتاریوس، سفرنامه  
اولتاریوس (اصفهان خونین شاه صفی)،  
ترجمه حسین کردبچه، جلد دوم، صص  
۴۶۵ و ۴۶۶.

۱۵- یادآوری استاد ارجمند جناب آقای  
دکتر نوریان

۱۶- یادآوری استاد ارجمند جناب آقای  
دکتر محمودآبادی.

## اهمیت و ارزش این

یادگارهای ارزنده،

با پیشینه تاریخی آنها

رابطه مستقیمی دارد

و بدیهی است این اعیاد

و آیین‌ها و رسوم،

در بین جوامع مختلف مردمی

چون ایرانیان که از

تاریخ تمدن کهنی برخوردار

هستند، تنوع و شکوه

بیشتری می‌یابد.

صفر مختار ثقفی قصد قیام به جهت خونخواهی از کشتگان حضرت امام حسین را داشت و چون این تاریخ را یک شب به جلو انداخت، برای اطلاع سایر شیعیان گفت تا بر بام خانه‌ها آتش بیفروزند. مردم در این منطقه در پایان این مراسم همگی با هم می‌خوانند: **آلا<sup>۲۰</sup> به‌در، بلا به‌در، دزد و هیز از ده به‌در.**<sup>۲۱</sup>

(این عبارت فولکلور دلالت بر وجود شیاطین و بدیها در این شب دارد که نحوست ضمنی را در بر می‌گیرد.)

این مطلب را آقای هاشم رضی به گونه‌ای دیگر بیان می‌کند، ایشان این قضیه و زمان رخداد آن را آخر صفر نمی‌داند، بلکه ذکر می‌کند چون این قیام و

۱۷- هاشم رضی، گاه‌شماری و آیین جشنهای ایران باستان، ص ۱۸۴.

۱۸- ذبیح بهروز، تقویم و تاریخ در ایران از رصد زرتشت تا رصد خیام، ایران کوده، شماره ۱۵.

۱۹- مثلاً جشن مهرگان را روز پیروزی کاوه بر ضحاک و بر تخت نشستن فریدون، و روز جشن تیرگان را روز صلح افراسیاب و منوچهر و تبرانداختن آرش برای تعیین سرحد ایران زمین می‌دانند.

۲۰- آلا = آل‌ها و آل به هیأت زنی است بسیار لاغر و قدبلند که کارش دزدیدن جگر زانو است.

۲۱- مرتضی هنری، آیین‌های نوروزی، ص ۱۹.

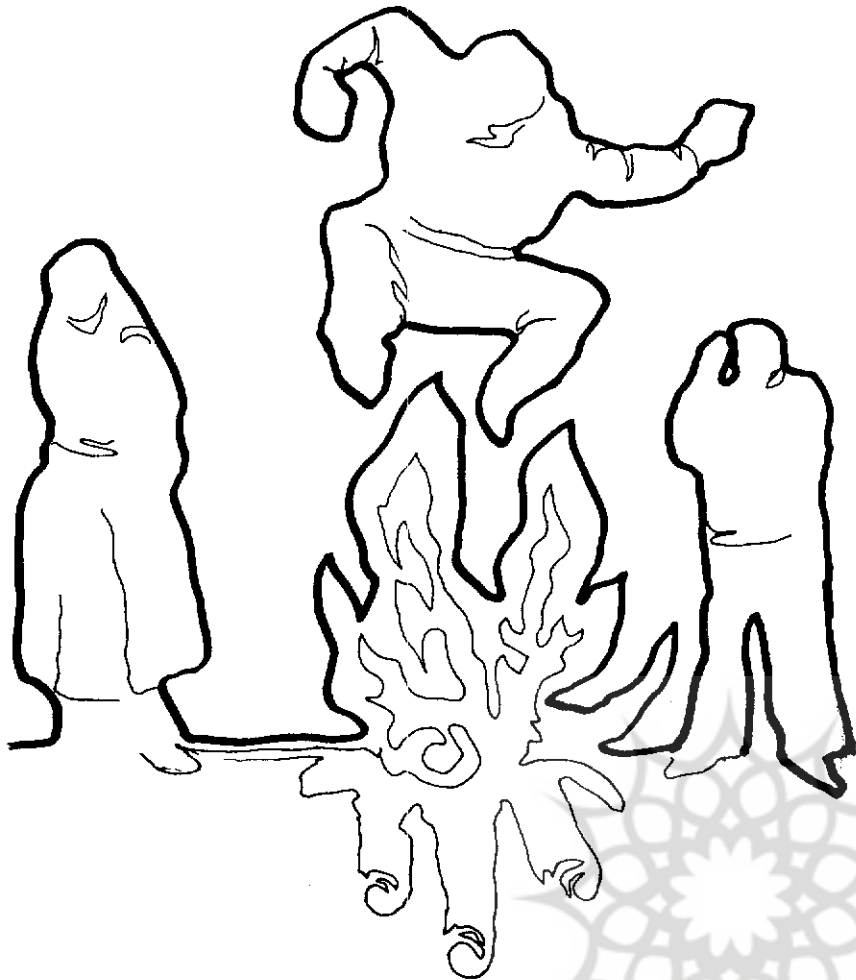
به شکلی گسترده برپا بوده مصادف با شب چهارشنبه شده و چون در روزشماری تازیان، چهارشنبه نحس و نامبارک و بدیمن بوده، از آن تاریخ به بعد شب چهارشنبه آخر سال را با جشن سوری به شادمانی پرداخته و بدین وسیله می‌کوشیدند نحوست چنین شب و روزی را مستفی کنند. جاحظ هم در تألیف خود گفته «والاربعاء یومٌ ضنک و نحس».<sup>۱۷</sup> در مقابل این نظر که نحوست چهارشنبه سبب برگزاری این آیین در این روز شده، ذبیح بهروز معتقد است «این آیین از زمانی به غروب آخرین سه‌شنبه هر سال موكول شد که زرتشت با رسیدگی به حسابهای گاه‌شماری به تنظیم و تدوین دقیق تقویم توفیق یافت و آن سالی بود که تحویل سال با سه‌شنبه‌ای مصادف شد که نیمه آن سه‌شنبه تا ظهر جزئی از سال کهنه و نیمه بعد از ظهر جزء سال نو محسوب می‌شد. و چون آغاز هر روز را نیمه شب آن روز می‌دانستند. بنابراین فردای آن سه‌شنبه را نوروز شناختند و شب آن را مطابق معهود جشن گرفتند و آتش افروختند و از آن پس آن شب را چهارشنبه‌سوری قرار دادند.<sup>۱۸</sup> در ایران باستان آغاز روز را در سال خورشیدی

از نیمروز و در سال قمری از نیم شب می‌گرفتند، لذا آغاز بیست و چهار ساعت یک شبانه‌روز در گاه‌شماری قمری از غروب آفتاب روز پیش است و از آنجاست که آغاز ماههای قمری با دیدن هلال است نه رصد و حساب. واژه «شام» و «پت» (میان و مغز) که ترکیب آنها شامپت و بعداً شمبد و شنبه شده و به معنی نیم‌شب است. این نظر باید بر همان باور مذهبی همسپند استوار باشد و به نظر می‌رسد ایشان معتقد به برگزاری جشن سوری در آخرین شب سال است. انگیزه پیدایش این جشن در این روز مانند دیگر جشنها و آداب و رسوم با رویدادها و اشخاص تاریخی درآمیخته و سینه به سینه نقل شده است.<sup>۱۹</sup> در منطقه خورویابانک، برگزاری این آیین در چهارشنبه آخر ماه صفر است. آنها معتقد هستند که در پنجشنبه آخر ماه

مسائل مربوط به آن در چهارشنبه آخر سال اتفاق می افتاد از آن به بعد مرسوم شد که ایرانیان مراسم آتش افروزی را در چهارشنبه آخر سال اجرا نمایند. همچنین ایشان علت آتش افروختن را شناخت مخالف از موافق می دانند.<sup>۲۲</sup> نه تغییر زمان قیام.

جابر عنصری هم در مقاله پیک های نوروز، واقعه فوق را متذکر می شود و می نویسد: «در اردیبهل پیدایش چهارشنبه سوری را به قیام مختار نسبت می دهند و عده ای آن را یادگار پیروزی مختار بر دشمنان امام حسین می دانند».<sup>۲۳</sup>

این حکایت را با هر کدام از این روایات که در نظر بگیریم خود نشان می دهد که مردم ایران برای نگاه داشتن آداب و رسوم خود در طول تاریخ و در برابر هجوم عقاید و افکار انیران و دلبستگی عمیقشان به اسلام، حتی به آن رنگ و بویی مذهبی هم می بخشیده اند تا پشتوانه آنرا محکمتر نمایند. و گاه حتی نحوست آنرا با توجیهاات مذهبی بیان می کردند. مرتضی هنری به نقل از آیت الله خوانساری می گوید: «در سیزدهم صفر و چهارشنبه آخر صفر که در اصطلاح چهارشنبه سوری گویند، واجب است زدن سازها، چون بلا از آسمان نازل می شود و به سبب زدن سازها بلا دفع می شود».<sup>۲۴</sup>



### چراسوری

درباره واژه «سور» هم باید یادآور شویم که بنا بر اعتقاد پاره ای از محققان، شب چهارشنبه سوری را به مناسبت آتش افروزی در آن شب «سوری» نامیده اند.

واژه سوری فارسی، در پهلوی به گونه سوریک (Surik) صفت است، چون «سور» به معنی سرخ و «ایک» پسوند صفت ساز و با هم به معنی سرخ و سرخ رنگ است، چنانکه گل سوری به معنی گل سرخ است و این جشن را از آن جهت سوری گفته اند که عنصر اصلی مراسم آن افروختن آتش سرخ بوده است.<sup>۲۵</sup>

دکتر محمد مقدم هم در مقاله چهارشنبه سوری خود به همین نکته اشاره دارد «سور به معنی سرخ است که به مناسبت افروختن آتش، آن شب را شب چهارشنبه سوری نامیده اند».<sup>۲۶</sup>

- ۲۲- هاشم رضی، گاه شماری و جشنهای ایران باستان، ص ۱۸۵.
- ۲۳- جابر عنصری، پیک های نوروزی، مجله هنر و مردم، شماره ۵۳، ص ۲۷.
- ۲۴- مرتضی هنری، آیین های نوروزی، ص ۱۹.
- ۲۵- هاشم رضی، گاه شماری و جشنهای ایران باستان، ص ۱۸۷.
- ۲۶- محمد مقدم، چهارشنبه سوری، مجله دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، سال پنجم، شماره ۳، ص ۷۸.



این رسوم تا امروز  
مانند پهلوان کوه‌پیکر  
قوی پنجه‌ای در هجوم  
بی‌امان دشمنان  
سینه سپر کرده  
و پای مردی بر زمین  
فشرده‌اند و سرداران ارزنده  
اما زخمی شده‌شان را  
که ما مردمیم—

در پناه خویش گرفته‌اند  
و این پشتوانه‌های  
فرهنگی بوده‌اند که از زوال  
و فناى فرهنگ ما جلوگیری  
کرده‌اند، چه ملتى که  
فاقد پشتوانه فرهنگى است،  
محکوم به فناست.

در گویش سمنانی‌ها<sup>۲۷</sup> و  
کردی<sup>۲۸</sup> و لری<sup>۲۹</sup> سور به‌همین  
معنى سرخ مى‌باشد و شاعر  
هم گوید:  
لعل است مى سوری و ساغر کان است  
جسمى ست پیاله و شرابش جان است  
در همین باره بد نیست بدانیم  
که پیش از روزگار ما در بعضی  
مناطق از جمله اصفهان، این شب  
به چهارشنبه سرخی نیز معروف  
بوده است<sup>۳۰</sup> و هنوز هم در بین  
بسیاری از کهنسالان منطقه لنگان  
لفظ «چهارشنبه سرخی» شناخته  
شده است و به کار مى‌رود. در  
اردبیل چهارشنبه آخر سال را  
«گول چهارشنبه» که چهارشنبه  
آتشین معنا مى‌دهد، مى‌نامند.<sup>۳۱</sup>

ولی بنا به عقیده دوم، سور از  
واژه سوئیریه (suirya) به‌معنى  
چاشت در زبان اوستایی است  
که در فارسی و پهلوی به‌معنى  
مهمانی بزرگ، در برابر سوک،  
گرفته شده است<sup>۳۲</sup> و به معنای  
چهارشنبه یا شب عیش و  
عشرت است. این معنا در  
ترکیباتی از جمله، سُرنَا (سور +  
نای) که سازی است به‌معنى ساز  
جشن آمده است.

سعید نفیسی از معتقدان به  
این نظر است. او مى‌نویسد:  
«اشتقاق ترکیب [چهارشنبه‌سوری]  
یعنى چهارشنبه عیش و عشرت  
خود مى‌رساند که این شب را  
برای جشن و سرور بنیان  
گذاشته‌اند»<sup>۳۳</sup>.

در لغت فرس اسدی طوسی  
هم سور به این معنی آمده و بیت  
زیر را نیز شاهد آورده است:  
نیکو مثلى زده است شاها دستور  
بز را چه به انجمن کنند و چه به سور  
و ناصر خسرو گوید:

در سور جهان شدم ولیکن  
بس لاغر و بازگشتم از سور  
زین سور ز من بسی بتر رفت  
اسکندر و اردشیر و شاپور  
و باید گفت سور در هر معنا (در  
ترکیب چهارشنبه‌سوری) چه  
معنى جشن چهارشنبه و چه  
چهارشنبه آتش درست  
مى‌نمایاند. زیرا نه آتش‌افروزی  
مخصوص چهارشنبه‌سوری بوده  
و نه فقط تنها سنت این جشن  
و بر این مفهوم قطعیتی  
نمی‌توان نهاد.

### آیین‌های چهارشنبه‌سوری

شب چهارشنبه‌سوری آیینهای  
خاص و تشریفات گوناگونی  
دارد، پاره‌ای از آنها عمومی و  
مشترک میان مردم ایران است و  
حتی بعضی از آنها را در میان  
ملل دیگر نژاد آریایی نیز  
می‌توان یافت و قسمتی دیگر  
آیینهای ویژه است که به مناطق  
مختلف فرهنگی متعلق بوده و به  
اصطلاح جزء خرده‌فرهنگ‌ها  
محسوب مى‌شود. در این  
مختصر شرح تمام این اعمال  
توأم با ذکر خرده‌فرهنگ‌های هر  
منطقه در اجرای این مراسم  
نمی‌گنجد، لذا به شرح اجمالی  
سه رسم در جامعه امروز که از  
سایر رسوم فعال‌تر است، بسنده  
می‌کنیم.

### آتش افروختن

زیباترین و شاید قدیمی‌ترین  
آداب چهارشنبه‌سوری که در

۲۷- ر. ک. فرهنگ سمنانی، سرخه‌ای،

لاسگردی، سنگسری، دکتر ستوده

۲۸- ر. ک. فرهنگ کردی مردوخ.

۲۹- ر. ک. گسویشهای لری علی

حصوری.

۳۰- یادآوری استاد ارجمند جناب آقای

دکتر نوریان.

۳۱- مرتضی هنری، آیین‌های نوروزی،

ص ۲۱.

۳۲- هوشنگ پورکریم،

چهارشنبه‌سوری، مجله هنر و مردم،

شماره ۷۸ و ۷۷، ص ۱۴.

۳۳- سعید نفیسی، چهارشنبه‌سوری،

مجله مهر، شماره ۱۱، سال اول، شماره

۱، سال دوم، نقل از (لغت نامه دهخدا).

تمام مناطق بی‌کم و کاست اجرا می‌شود، آتش افروختن و پریدن از روی آن و شادی کردن در کنار آن است.<sup>۳۴</sup> در ایران مراسم آیینهای بسیاری با وجود آتش انجام می‌شده است که از آن جمله‌اند جشن سده، چهارشنبه‌سوری و...

همان‌طور که گذشت افرادی چون کریستن‌سن، جشن آتش را یک نوع دعا برای دفع پری و شیاطین دانسته‌اند؛ مردم معتقد بودند که با روشن کردن آتش باید به کمک نیروی آفتاب بشتابند تا نعمت زمین را فراوانتر سازد.

دکتر مهرداد بهار، آتش روشن کردن را نماد گرم کردن جهان و زدودن سرما و بدی از تن می‌داند.<sup>۳۵</sup> وسترمارک (Westermark) معتقد است که برپا داشتن آتش برای پاکیزگی و تطهیر بوده است، یعنی آتش باید همه ناپاکی‌ها را بسوزاند و نابود کند. ابوریحان هم در آثارالباقیه، فلسفه جشن سده و افروختن آتش بر فراز کوهها و تپه‌ها را تصفیه هوا می‌داند.

استاد جمشید مظاهری در مورد افروختن آتش نقل می‌کند: «... و اینان بر این بودند که آتش‌افروزی پلیدیهای را که از زمستان در هوا به‌جای مانده است می‌سوزاند و برخی گفته‌اند این آتش به‌جهت اعلام فراز آمدن نوروز و در انداختن آوازه وی است.»<sup>۳۶</sup> گویی مردم

ولی در کنار دو زمان یاد شده (جشن تیرگان ۱۳ تیر / و ششم فروردین) در این شب - شب چهارشنبه‌سوری - آب و آب بازی در کنار آتش بسیار به چشم می‌خورد.

در «خور»، افراد هر خانواده چند برگ خشک خرما و هیزم را در زیر ناودانی بر می‌افروزند تا روشنایی را جایگزین تاریکی سازند. آتش شعله که کشید از پشت بام به داخل کوچه‌اش می‌افکنند و کاسه یا کوزه‌ای پر آب را روی آتش می‌اندازند تا ظرف بشکند و آتش را خاموش کند، چرا که آتش مطلق هستی و حرکت و درخشش است و آب مظهر پاکی و یکرنگی و این دورا با هم به کار گرفتن مطلق خوبیها و نیکوییهاست.

در «اورمیه» فردای چهارشنبه‌سوری، برخلاف همیشه، مردم خیلی زود و پیش از طلوع آفتاب از خواب برمی‌خیزند و با کوزه سفالی خریداری شده به یکی از تفریحگاههای نزدیک شهر که به

می‌خواهند در این شب مبارک آتش فروزنده‌شان را جاننشین خورشید تابنده سازند؛ تا آن روزشان هیچ‌گاه شب نشود و شاید به تعبیری آتش چهارشنبه‌سوری از طرفی تودیع با سال گذشته و موعد استقبال از سالی است که در آستانه حلول است. «به‌علاوه با توجه به آنکه در زمستان آفتاب کمیاب است و به‌ندرت دیده می‌شود کسانی که از روی آتش مقارن غروب آفتاب جست‌و‌خیز می‌کنند به‌طور رمزی می‌کوشند تا خورشید غروب‌کننده را هم به رقابت با آتش و تابش بیشتر تشویق نمایند و بدین‌وسیله او را در آخرین روزهای زمستان از خمودگی فصل سرما بیرون آرند.<sup>۳۷</sup>

در باب افروختن آتش در تأیید آن دسته از نظریات که بر پایه تصفیه هوا و نظافت است باید این نکته را هم متذکر شوم که در مناطق بسیاری مراسم این شب با آب پاشی در هم می‌آمیزد. اگر چه جشن آب‌پاشان یا تیرگان، جشن مستقلی است. ابوریحان در آثارالباقیه می‌گوید: «ایرانیان در روز ششم نوروز به هم آب می‌پاشند، زیرا عقیده دارند تن انسان در زمستان به دود و کثافت آلوده شده و این آب برای پاکی از آن آلودگی است و دیگر اینکه آب، هوا را لطیف و تازه می‌کند و نمی‌گذارد در هوا تولید بیماری شود.»

۳۴- سعید نفیسی، چهارشنبه‌سوری، همان.

۳۵- مهرداد بهار، جستاری چند در فرهنگ ایران، چ اول، انتشارات فکر روز، ص ۲۲۱.

۳۶- جمشید سروشیار، جشن نوروز، ص ۱۵۳.

۳۷- عبدالحمین زرین‌کوب، نقش بر آب، نوروز و آیین‌های وابسته به آن، انتشارات معین، تهران، ۱۳۶۸، ص ۴۴۲.



«دوقوزپله» مشهور است می‌روند. جوی کوچکی در این محل روان است که کوزه را از آن آب پر می‌کنند و سه بار از این جوی می‌پرند.

آتل بوتول چارشنبه  
بختیم آچل چارشنبه  
بسر بسر چارشنبه  
ای بخت من باز شو چارشنبه<sup>۳۸</sup>  
اولئاریوس براساس مشاهداتش در اصفهان عصر شاه صفی می‌نویسد: «عده‌ای [در چهارشنبه‌سوری] کوزه‌های خود را برداشته و از خانه خارج می‌شوند، بدون آنکه با کسی حرف بزنند و به جایی نگاه کنند به خارج شهر رفته و کوزه را پر آب کرده و آنرا می‌آورند و به خانه و اتاقهای خود می‌باشند و عقیده دارند چون آب صاف و پاک است پلیدی و بدبختی را از خانه شسته و با خود می‌برد و اگر در راه به یک دوست و آشنا برسند قدری از آن را به او پاشیده و یا اصولاً کوزه را بر روی سرش خالی می‌کنند تا بدبختی‌های او شسته شده و از بین برود.<sup>۳۹</sup>

استاد مظاهری در مقاله جشن نوروز، در باب آب پاشیدن اضافه کرده‌اند: «... و عده‌ای دیگر برآن‌اند که سبب آب‌افشاندن آن است که چون فیروز یزدگرد، بنای باروی جی را که اصفهان قدیم باشد به اتمام آورد، هفت سال باران از ملک او باز ایستاد، سپس در این روز باران گشاده گشت و مردمان

بدان شادمان شدند و از غایت شادمانگی از آب باران بر تن‌های خویش زدند و آن به هر سال در آن روز ایشان را سعی شد.<sup>۴۰</sup> ایشان در همانجا قول شاعری را یاد می‌کند که خطاب به محبوب خویش از این دو آیین آتش‌افروزی و آب‌فشانی یاد کرده است:

«ای آرام من چه‌سان شادمانه‌ای که من خود نوروزم، آتش او چونان آتشی است که من در جگر دارم و آب او چونان سرشک پیوسته‌ای است که من بدان روز می‌بارم.»<sup>۴۱</sup>

در سنندج در سه‌شنبه آخر سال جنب و جوشی در میان زنان و دختران و تعدادی از مردهای میانسال به چشم می‌خورد. در حدود ساعت ۲ و ۳ بعد از ظهر از محله‌های شهر دسته‌دسته زنان و دختران بچه‌ها که لباس نو و پُرزرق و برق پوشیده‌اند و در حد متداول آرایش کرده‌اند راهی دباغ‌خانه می‌شوند.

هر یک از دختران و زنان یک تخم مرغ و یک شیشه خالی همراه می‌برند. به محض رسیدن به محل مورد نظر و دسترسی به آب خروجی، هر یک از دختران تخم مرغی را که دارند سرشکن کرده پس از دور ریختن سپیده و خوردن زرده خام آن، با همان پوست تخم مرغ که مثل یک فنجان کوچک است دو سه بار از آن آب برمی‌دارند و به سر و

صورت و لباسها و موهای خود می‌پاشند و در حالی که هر کس زیر لب به فراخور آمالش نیت می‌کند، شیشه خالی را که آورده‌اند از آب دباغ‌خانه پر می‌کنند. پس از آن در حالی که با هم خوش و بش می‌کنند و می‌گویند: «خواهر بلا به دور»، «بختت باز»، «از نحوست به دور» و... راهی خانه می‌شوند.

برخلاف عرف مسلم در این روز هیچ‌کس به دوستانش تعارف نمی‌کند که به منزل او برود، چون می‌دانند نباید کسی در این روز، نحوست چهارشنبه آخر سال را با خود به خانه کسی ببرد. هر کسی بعد از رسیدن در منزل فوراً آب دباغ‌خانه را که در بطری همراه آورده است در حاشیه اتاقها و کنار فرش و به‌خصوص پاشنه درها می‌پاشد و نیت می‌کند که تمام بلاها و نحوست اعم از فقر و مرض و پریشانی و بدشانسی از خانه و کاشانه‌اش دور شود.<sup>۴۲</sup>

همان‌طور که ذکر شد در اینجا در این روز یعنی آخرین شب

۳۸- بیژن صمدی. چهارشنبه‌سوری در رضاییه، مجله هنر و مردم، شماره ۱۶۱، ص ۷۰.  
۳۹- آدام اولئاریوس، سفرنامه اولئاریوس، ص ۴۶۶.  
۴۰- جمشید سررشیار، جشن نوروز، ص ۱۵۲.  
۴۱- همان، ص ۱۵۴.  
۴۲- احمد فریقی، چهارشنبه‌سوری در سنندج، همان، ص ۱۱۸-۱۱۷.



چهارشنبه سال، مراسم پریدن از روی آتش و آتش افروزی نیست و به جای آن در آخرین شب سال این مراسم صورت می‌گیرد.

برای وجود آب در کنار آتش‌بازی، در این مراسم دو علت را می‌توان ذکر کرد: اختلاط این آیین با رسوم جشن تیرگان یا آب‌پاشان به علت دقیق نبودن تقویم تا زمان ملک‌شاه است - حساب نکردن  $\frac{1}{4}$  روز اضافه بر ۳۶۵ روز سال که در ۱۲۸ سال شمسی ۳۱ روز می‌شود و در اغلب نوشته‌های ایرانی که از سال و ماه ایرانی سخن رفته همیشه نوروز در گردش و جابه‌جایی بوده است -<sup>۴۳</sup> خاصه اگر بدانیم که فال کوزه چهارشنبه‌سوری نیز از رسوم رایج جشن تیرگان در میان زرتشتیان است.

از طرفی پاره‌ای از محققان، آب در کنار آتش را عاملی برای دور کردن بسلاها در چهارشنبه‌سوری می‌دانند و اظهار می‌دارند که ایرانیان برای دور کردن بسلاها در چهارشنبه‌سوری از دو وسیله استفاده می‌کردند آتش و آب.<sup>۴۴</sup> در این باره دکتر عبدالحسین زرین‌کوب می‌نویسند: «جشن تابستانی (تیرگان) معروف به جشن آب‌پاشی و یک جشن زمستانی معروف به جشن آتش (سده) با آنکه در دوره اسلام هم احياناً به وسیله بعضی از طبقات از جمله پادشاهان احیا می‌شده

است در تمام دوره طولانی بعد از اسلام هرگز جنبه عمومی پیدا نکرده است. مع‌هذا چنانکه پاره‌ای از قراین نشان می‌دهد بعضی جزئیات آن تدریجاً در مراسم نوروز جذب شده است و رفته‌رفته در شمار سنتهای آن درآمده است.<sup>۴۵</sup>

ثانیاً از آنجا که در اکثر شهرهای ایران از جمله تهران و زنجان و خراسان باید خانه‌تکانی و نظافت نوروزی تا قبل از چهارشنبه‌سوری تمام شده باشد، وجود آب و آتش را می‌توانیم به عنوان عاملی در جهت نظافت عمومی و از بین بردن زایدات بدانیم.

اینک تقریباً در تمام ایران در شب چهارشنبه‌سوری، توده‌هایی از بوته‌های خودروی بیابانی را فراهم می‌آورند و عموماً سه یا هفت توده<sup>۴۶</sup> نزدیک یکدیگر قرار داده، آتش می‌زنند. زن و مرد و پیر و جوان در صحن خانه یا در میدان عمومی و بر سر چهارسوها از روی این اخگرهای افروخته جستن می‌کنند و در هر جستنی با لهجه‌ها و گویشهای مختلف سخنی با این مضمون می‌گویند:  
زردی من از تو سرخی تو از من ...<sup>۴۷</sup>

البته استاد پوردادوود رسم پریدن از روی آتش و خواندن این ترانه‌ها را واقعاً زشت می‌داند و می‌گوید: «در جشن چهارشنبه‌سوری از روی شعله

پریدن و ناسزایی چون سرخی تو از من، زردی من از تو گفتن از روزگارانی است که دیگر ایرانیان مانند نیاکان خود آتش را نماینده فروغ ایزدی نمی‌دانستند»<sup>۴۸</sup> که صحت این نظر را با نگرشی بر متون گذشته در می‌یابیم. در شعر و نثر قدیم، خاموش کردن آتش را کشتن آن می‌گفتند. گویی برای آن شکوه و عظمتی در حد یک جاندار قایل بودند.

در بیشتر روستاها پس از خاموش شدن آتش، خاکستری که از آن می‌ماند را باید در خاک‌اندازی جمع کنند و از خانه بیرون ببرند و در کنار دیوار بریزند. آن کس که آنرا بیرون ریخته است در بازگشت در می‌زند، باید از درون خانه از او پرسند کیست؟ و او جواب دهد

۴۳- مهربانو سهراب، ماهنامه فروهر، تیر و جشن - جشن تیرگان، سال ۲۶، شماره ۳ و ۴، ص ۹.

۴۴- مرتضی هنری، آیین‌های نوروزی، ص ۲۶.

۴۵- عبدالحسین زرین‌کوب، نقش برآب، نوروز و آیین‌های وابسته به آن، ص ۴۴۱.

۴۶- در اصفهان وجود سه کپه (توده) آتش یا سه بار پریدن از روی آتش احتمالاً ناظر به سه پند زرتشت است؛ گفتار نیک، پندار نیک، کردار نیک.

۴۷- هاشم رضی، گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، سازمان انتشارات فروهر، تهران، ۱۳۵۹، ص ۱۲۸.

۴۸- همان، به نقل از مرتضی گرجی: آناهیتا، پنجاه گفتار پوردادوود.

منم. گویند از کجا آمده‌ای؟  
جواب دهد: از عروسی، بپرسند  
چه آورده‌ای؟ گوید: تندرستی.<sup>۴۹</sup>  
و بدین‌گونه برای اهل خانه،  
شادی و تندرستی می‌خواهند.

در تالش خاکستر بازمانده از  
آتش چهارشنبه‌سوری را در  
مزارع می‌پاشند و باور دارند  
که آن خاکستر سبب دفع  
آفات می‌شود.<sup>۵۰</sup>

ارمنیان ایران هم در جشن  
درن دز (derendez) یا دیارنداراج  
(diyarandarag) درست همان‌طور  
که معمول مراسم چهارشنبه‌سوری  
است، آتشی می‌افروزند و از  
رویش می‌پرند و شمعهایی را که  
با همان آتش روشن کرده‌اند به  
خانه‌هایشان می‌برند که  
خوش‌یمنی و تبرک برایشان  
بیاورد. گویا این آتش‌افروزی در  
حیاط کلیسا است.<sup>۵۱</sup> زمان این  
مراسم در شب چهارده فوریه  
مطابق بیست و پنجم بهمن‌ماه  
است.

در فرانسه هم مراسم آتش  
روشن کردن و پریدن از روی آن  
در شبی به نام سن‌ژان وجود دارد  
که بیشتر جنبه مذهبی دارد،  
این جشن در طولانی‌ترین روز  
سال است.

در کردستان رسم معمول این  
است که آتش را بر تپه‌های بلند  
می‌افروزند که گمان می‌رود این  
به سبب احترامی است که برای  
آتش قایل هستند، چرا که آتشکده  
را هم در ایران باستان در بالاترین  
نقاط درست می‌کردند.

### رفع یک اتهام

در اینجا باید متذکر شوم که  
ایرانیان هیچ‌گاه آتش‌پرست  
نبوده‌اند، بلکه آتش را نمود و  
مظهري از اهورامزدا  
می‌دانسته‌اند و فردوسی در  
برخی از ابیات شاهنامه، ضمن  
مقایسه آتش با محراب و یا با  
سنگ محراب مسلمین، این نکته  
را به لطافت بیان کرده است.

به یک هفته بر پیش یزدان بدنند  
مپندار کآتش پرستان بدنند  
که آتش بدان گاه محراب بود  
پرستنده را دیده پر آب بود  
یا:

بدان‌گه بدی آتش خوب رنگ  
چو مَر تازیان راست محراب، سنگ  
سلام کردن و سوگند خوردن  
به نور چراغ و شمع‌افروزی در  
مقابر و زیارتگاهها نشانه‌های  
آشکار حرمت و دل بستگی عاطفی  
به آتش و گرمی و روشنایی است.

با نیم‌نگاهی به تاریخ و تأملی  
در فرهنگ گذشته‌مان،

درمی‌یابیم از زمان شناخت  
آتش، این نعمت یزدان، به کار  
روشنگری شبهای تار آمده است  
و علاوه بر طبخ طعام، خانه‌ها را  
روشن می‌کرده و با حضور مردم  
در دور هم، آتش‌افروزی جنبه  
همگانی به خود می‌گرفته است،

به‌گونه‌ای که امروز در برخی  
مناطق از روشنایی مجازاً تعبیر به  
میهمانی یا شب‌نشینی می‌کنند:  
در یزد دید و بازدیدهای شبانه را  
«آتشون» و در خور «آیرون»  
می‌نامند که «آیر» در گویش

خوری به معنی آتش و هم‌ریشه  
«آتر» و «آذر» است.

در جنوب خراسان هم به  
شب‌نشینی چراغ (به معنی  
چراغانی و روشنایی) می‌گویند  
که تمام این موارد تأییدی  
است بر اینکه آتش ویژه جشن  
خاصی نیست.

بشر با کشف آتش که ۸۰۰۰  
سال از تاریخ آن می‌گذرد تحولی  
اساسی در زندگی خود احساس  
نمود. فرزندان که در گذشته در  
غارها از سرما می‌مردند، در کنار  
آتش سلامت ماندند و غذای خام  
و سردش به‌هنگام طبخ با آتش  
طعم و مزه دیگری یافت. موارد  
و مصادیقی از این دست کم  
نیستند و از همین‌جا مردم نوعی  
قداست برای این نعمت یزدان  
قایل شدند به‌گونه‌ای که اثر این  
قداست هنوز در متون کهن ما  
به‌جاست. در متون کهن همه جا  
برای خاموش کردن آتش و چراغ  
از واژه کشتن استفاده شده است.

کشتن شمع یا چراغ به معنی  
خاموش کردن آن است. گویی  
آتش را موجودی زنده و جاندار  
تصور کرده‌اند، از هر فرصت و  
در هر جشنی گرامیداشت آن را  
مغتنم می‌شمردند. شعله‌های

۴۹- همان منبع، ص ۲۶.

۵۰- علی عبدلی، نوروز در تالش، مجله  
چیستا، سال ششم، شماره ۷ و ۸، ص  
۴۱۷.

۵۱- هوشنگ پسرورکریم،  
چهارشنبه‌سوری، همان، ص ۱۴.

آتش در شب چهارشنبه‌سوری در کنار قسمتی از مراسم این شب که به بخت‌گشایی مربوط می‌شود (مانند فال کوزه، فال‌گوش و...) بی‌ارتباط به گشایشی که ایرانیان باستان از این مظهر اهورایی در همه شئون زندگی خود داشتند نیست و بی‌جهت نیست که - به‌عنوان نمونه - حتی در مراسم عروسی هیچ وقت شمع یا چراغ را از آینه بخت عروس دور نمی‌کنند.

البته در ایران باستان و امروز همچنین، برای نعمات دیگری هم از جمله «نان» ارزش و حرمت بسیار و بیش از اندازه قایل‌اند که در هیچ مورد این حرمت دال بر پرستش آن نعمت نیست.



**قاشق زنی**

آداب و رسوم بسیاری برای دفع نظر و باطل کردن سحر و برآوردن حاجت در شب چهارشنبه‌سوری وجود دارد که نامهای گوناگونی دارد و در آن میان قاشق‌زنی بیش از همه مشهور است.

صادق هدایت در توصیف قاشق‌زنی آورده است: «اگر کسی ناخوش داشته باشد به نیت سلامتی او در شب چهارشنبه‌سوری ظرفی برداشته می‌رود در خانه همسایه‌ها را می‌کوبد، بدون اینکه چیزی بگوید با قاشق به آن ظرف می‌زند. صاحب خانه خوراکی و یا پول در ظرف او می‌اندازد. آن خوراکها را به ناخوش داده یا با پول آن

چیزی می‌خرند و به ناخوش می‌دهند تا خوب شود».<sup>۵۲</sup>

خراسانی‌ها چنانچه خودشان در خانه مریض داشته باشند و یا یکی از افراد خانواده آنها به سفر رفته باشد به کسی که به در خانه آنها به قاشق‌زنی آمده است چیزی نمی‌دهند، زیرا معتقدند برای مسافر و مریض خودشان بدیمن است.<sup>۵۳</sup>

در اردبیل و اورمیه مشابه همین رسم، رسمی به نام شال‌شالا (شال سالاماق) هست. اینان در شب چهارشنبه‌سوری بر بام خانه‌ها می‌روند و کجاوه‌ای را که زینت کرده و آرایش داده‌اند و بر طاق آن شال کشمیری کشیده و

آینه بسته‌اند، با طنابی از بام به سطح خانه فرود می‌آورند و می‌گویند: «بکش که حق مرادت را بدهد.» کسی که در خانه است موظف است که در آن کجاوه شیرینی و آجیل شور و شیرین بریزد و پس از آنکه چیزی در آن ریختند با طناب آن را بالا می‌کشند و به‌خانه دیگری می‌برند، به‌خصوص دامادی که تازه زن گرفته و هنوز عروسی نکرده است

۵۲- صادق هدایت، نیرنگستان، ص ۱۵۸.  
 ۵۳- ابراهیم شکورزاده، عقاید و رسوم مردم خراسانی، انتشارات سروش، چاپ دوم، ص ۸۳.

مردم ایران  
برای نگاه داشتن آداب  
و رسوم خود در طول تاریخ  
و در برابر هجوم عقاید  
و افکار انیران و دلبستگی  
عمیقشان به اسلام،  
حتی به آن رنگ و بویی  
مذهبی هم می بخشیده‌اند  
تا پشتوانه آنرا محکمتر  
نمایند. و گاه حتی  
نحوست آنرا با توجیحات  
مذهبی بیان می‌کردند.

موظف است، که چنین کجاوه‌ای  
را به بام خانه عروس ببرد و اگر  
نتواند از بام بالا برود باید به  
پشت در رود و در پشت در پنهان  
شود که کسی نبیند و آن کجاوه را  
در اتاق ببندد و به همین ترتیب  
چیزی طلب کند.<sup>۵۴</sup>

در سمنان هم قاشق‌زنی مرسوم  
بوده، در شب چهارشنبه‌سوری  
پسر بچه‌ها کاسه‌ای در دست  
می‌گرفتند و قاشقی بر آن  
می‌کوبیدند و به در هفت خانه  
می‌رفتند و چیزی طلب می‌کردند  
که در مقابل، صاحب خانه آجیل  
و گردو به آنها می‌داده است.<sup>۵۵</sup>

در غرب و کشورهای اروپایی  
پیش از فرارسیدن سال نو  
مسیحی، کودکان اعمالی مشابه  
به قاشق‌زنی ایران در روزی به نام  
هالووین (Halloween) انجام  
می‌دهند.<sup>۵۶</sup> آنها هم در ۳۱ اکتبر  
این جشن را برگزار می‌کنند و به  
عمل آنها که همانند قاشق‌زنی  
ماست، به اصطلاح «Trick or

Treat» (یا مهمان‌کن یا اذیت  
می‌کنم) می‌گویند. مطابق رسوم  
اکثر بچه‌ها ماسکی را به صورت  
می‌زنند و سر خود را در داخل  
خانه افراد می‌برند و با گفتن این  
اصطلاح صاحب‌خانه به آنها  
شیرینی و چیزهای دیگر می‌دهد.

### کوزه شکستن

نکته مهمی که در بیشتر  
مناطق ایران ضمن برگزاری  
چهارشنبه‌سوری رعایت  
می‌شود این است که چون سال  
تجدید شده، پیش از رسیدن  
چهارشنبه‌سوری به خانه‌تکانی و  
گردگیری می‌پردازند و دور  
ریختن وسایل کهنه را به شب  
چهارشنبه‌سوری محول می‌کنند  
که در این میان رسم  
کوزه‌شکستن شهرت بسیار دارد.

به نظر می‌رسد که این کوزه  
همان چشم‌رویی (چشم + الف  
و واسطه + رو) است که آنرا  
به منظور دفع چشم‌زخم از  
انسان، حیوان و... می‌ساختند و  
بنا به توصیف عطار نیشابوری در  
اسرارنامه، چشم‌رویی، کوزه‌ای  
سفالی است که بر آن چشم و روی  
آدمی را به زیبایی می‌کشیدند و  
آنرا با پارچه‌های رنگین  
می‌آراستند و برای دفع چشم  
زخم از اهل خانه و اموال و باغ و  
کشت، در آن سکه‌های سپید و  
سیاه مسی ریختند و در شب  
چهارشنبه‌سوری پیش از آنکه  
آتش بازی و پرش از روی آتش  
صورت گیرد آنرا از بام خانه به

کوچه می‌افکندند؛ چشم‌رو در  
هم می‌شکست و از سکه‌های  
سپید و سیاهش منتظران و  
گذرندگان برخوردار می‌شدند.<sup>۵۷</sup>  
سفالی را بیارایند زیبا  
فرو پوشند او را شعر و دیبا  
کنند از حيله چشم‌رویی او ساز  
که چشم‌رویی دارد چشم بد باز  
اگر شخصی ببیند رویش از دور  
چنان داند که پیدا شد یکی حور  
چو خلقانش ببیند از در و بام  
در اندازند از بالا سرانجام  
«عطار، اسرارنامه»

مردم تهران تا چند سال پیش،  
از سردر نقارخانه بالا می‌رفتند،  
کوزه‌ای آب‌نדיده با خود می‌بردند  
و از آنجا به زمین می‌افکندند و  
می‌شکستند. کسانی که به آنجا  
دسترسی نداشتند از بام خویش  
کوزه را بر زمین می‌افکندند، این  
کار در بسیاری از نقاط ایران  
معمول است و عقیده دارند بلا و  
قضاهای بد را در کوزه متراکم  
کرده‌اند و چون بشکنند آن قضا و  
بلا دفع می‌شود.<sup>۵۸</sup>

۵۴- سعید نفیسی، چهارشنبه‌سوری.

۵۵- حسن شادپور، آداب و رسوم و نحوه معیشت مردم سمنان، فرهنگ

فومس، سال سوم، شماره ۲، ص ۱۸۸.

۵۶- یادآوری استاد ارجمند جناب آقای دکتر شفقی.

۵۷- احمدعلی رجایی بخارایی، چشم‌رو چیست؟، مجله دانشکده

ادبیات مشهد، سال اول شماره ۴، ص ۳۹۹-۴۰۰.

۵۸- هوشنگ پورکریم، چهارشنبه‌سوری، همان.



در خراسان و بعضی از مناطق دیگر ایران رسم بود که پس از مراسم آتش‌افروزی برای دفع قضا و بلا، مقداری زغال (نشانه سیاه‌بختی) و اندکی نمک (نشانه شورچشمی) و یک سکه کم‌بها در کوزه سفالی که از پیش تهیه کرده بودند، می‌انداختند و هر یک از افراد خانواده یک بار کوزه را دور سر می‌چرخاند و نفر آخر آنرا به بالای بام می‌برد و از آنجا به میان کوچه پرتاب می‌کرد و می‌گفت:

درد و بلایِ خِینه ره

رِختم به توی کوچه

درد و بلام بره تو کوزه

بره تو کوچه ۵۹

در سنج بنا بر سنت دیرینه، عصر روز چهارشنبه‌سوری در هر خانه، سفال کهنه‌ای را که قبلاً آماده کرده‌اند، دم دروازه می‌شکنند و می‌گویند: «برو چهارشنبه‌نحس تا سال دیگر برنگردی. برو و تمام نحوستت را با خودت ببر». همان‌طور که آب ریختن به دنبال مسافر در بین ایرانیان برای سلامت و امید دیدار مجدد است، بدرقه کردن با شکستن کهنه‌سفال در بین اهالی سنج رسم بد بدرقه کردن و نشانه نفرت است. ۶۰

غیر از موارد مذکور این رسم شاید رسمی برای تعویض اجباری ظروف کهنه محسوب می‌شده است، چرا که سابق بر این که لیوانهای بلورین فقط در میهمانیها استفاده می‌شد و حتی

پیشتر که ظروف بلوری وجود نداشت و مردم از کوزه و سایر ظروف سفالی استفاده می‌کردند، چهارشنبه‌سوری یادآوری‌یی برای تعویض این کوزه‌های سفالی بود که برای یک سال استفاده شده، و لبه آنها پریده و گاه رنگ سفیدشان به سیاهی گراییده بود. لازمه استقبال از سال نو داشتن ظروف نو و شکستن این کاسه و کوزه‌ها در روز چهارشنبه‌سوری و دور ریختن آنها بود و این رسم شکستن کوزه‌های کهنه را می‌توان نماد نوخواهی در نوروز دانست.

هر که در خانه خود به هنگام تحویل سال کوزه آب کهنه‌ای نگه می‌داشت و یا از لیوان کهنه‌ای آب می‌خورد که در چهارشنبه‌سوری سال پیش خریده بود، او را به خسیسی متهم می‌کردند و هشدارش می‌دادند که نحوست این کار گریبان او را خواهد گرفت. ۶۱

غیر از رسوم یاد شده، در این شب رسوم دیگری مثل خوردن آجیل چهارشنبه‌سوری، فال کوزه، فال‌گوش و بخت‌گشایی نیز وجود دارد که در جامعه امروز به آنها کمتر پرداخته می‌شود. در اینجا باید گفت که این عدم توجه به سایر هنجارهای یاد شده بیانگر ناتوانی جامعه از نگهداری آنهاست. که البته این ناتوانی معلول سیر تحول باورهای

ذهنی ما در طول تاریخ می‌باشد. کوزه از بام انداختن، فال‌گوش ایستادن، تهیه خوراک با مواد غذایی تأمین شده از قاشق‌زنی‌ها، همه در جهت دفع نحوست ضمنی این روز است و مساعد کردن آینده‌ای نیکو. از طرفی بسیاری از این هنجارها متناسب با جامعه روستایی است و نگارنده معتقد است تمام این هنجارها جنبه‌هایی نمادین داشته است. روح فعالیتی که در تمام اعمال و هنجارهای این جشن به چشم می‌خورد، روستایی خموده شده در زمستان را برای استقبال از بهاری سرسبز و پرتلاش آماده می‌کند. رسوم منطقه‌ای از جمله نمایش آیینی کوسا یا کوسه (وکوسه گلین)، ۶۲ مراسم عروسی غوله در جوپشت ۶۳ در شب چهارشنبه‌سوری، یا وجود چند چهارشنبه؛ چهارشنبه کاذب

۵۹- ابراهیم شکورزاده، عقاید و رسوم مردم خراسان، ص ۸۱.

۶۰- احمد فریقی، چهارشنبه‌سوری در سنج، همان، ص ۱۲۰.

۶۱- مرتضی هنری، آیین‌های نوروزی، ص ۳۰.

۶۲- برای اطلاع بیشتر ر.ک. جابر عناصری، جنبه‌های نمایشی مراسم آیینی چهارشنبه‌سوری و نوروز، مجله چینیستا، سال هفتم، شماره ۶ و ۷، ص ۷۸۲.

۶۳- برای اطلاع بیشتر ر.ک. اصغر عسکری خانقاه، نگاهی به مراسم چهارشنبه‌سوری در جوپشت و خور، مجله هنر و مردم.



(بالانچی)، چهارشنبه خبردهنده (مشتلق چی)، چهارشنبه خاکستر (کول چرشنبه)... در اردیبهیل ۶۴ و یا مراسم آبپاشان فردای آن روز در اکثر نقاط ایران می‌تواند دلیلی بر این مدعا باشد و امروز با تغییر جامعه روستایی به نحوی پاره‌ای از این رسوم منسوخ شده و آنچه مانده است تجمع و حضور تک‌تک ما در کنار آتش چهارشنبه‌سوری است که نماد تجمع و اتحاد است و بیانگر سفارش حافظ که گفت: «از فکر تفرقه باز آی تا شوی مجموع».

بعضی از رسوم هم از جمله آجیل چهارشنبه‌سوری سبب منافع اقتصادی برای جامعه بوده است و نگارنده آن را نوعی حرکت اقتصادی می‌داند، چرا که در جامعه روستایی که هزینه زندگی یک خانواده تولیدی آن بسته به محصولات تولیدی آن خانواده است، میوه‌های خشک شده (خشکبار) مانند کشمش، گردو، زردآلو و ... با تغییر و تحولات فصل و گرم شدن هوا از بهار به بعد، در معرض فساد و آفت خواهند بود و آخرین چهارشنبه هر سال و تقاضای آجیل چهارشنبه‌سوری فضایی را ایجاد می‌کند که میوه‌های خشک شده در پایان سال تا حد امکان به فروش برسد و از قبل آن، هم این میوه‌ها در پایان سال مصرف شده و هم مخارج خانواده روستایی در آغاز سال نو تأمین شود، بویژه اگر در نظر

داشته باشیم که این آجیل در اکثر مناطق نباید نمک سود باشد. چنین هدفی را نیز بائمن و برکت در آینده در می‌آمیختند و در اورمیه این آجیل را برای برکت به چهارگوش خانه می‌انداختند.

نگارنده شادی، طرب و استقبال از نوروز و جشنهای نوروزی را به سان رشته‌ای می‌داند که تمام مراسم این شب (چهارشنبه‌سوری) را به هم و به روح ایرانی متصل می‌گرداند. چهارشنبه‌سوری، گلبافه آرزوهای ایرانی بر شهیر نسیم نوبهاری است.

#### منابع و مآخذ

اولثاریوس، آدام. سفرنامه اولثاریوس، ترجمه حسین کردیچه، جلد دوم. بهروز، ذبیح. تقویم و تاریخ در ایران از رصد زرتشت تا رصد خیام، ایران کوده، شماره ۱۵.

پورکریم، هوشنگ. چهارشنبه‌سوری، مجله هنر و مردم، شماره ۷۷ و ۷۸.

رجایی بخارایی، احمدعلی. چشمارو چیست؟ مجله دانشکده ادبیات مشهد، سال اول، شماره ۴.

رضی، هاشم. گاه‌شماری و جشنهای ایران باستان، انتشارات فروهر.

سروشیار، جمشید. جشن نوروز، فصلنامه هستی، شماره بهار ۱۳۷۳.

سهراب، مهربانو. تیر و جشن، جشن مهرگان، ماهنامه فروهر، سال ۲۶، شماره ۳ و ۴.

شادپور، حسن. آداب و رسوم و نحوه معیشت مردم سمنان، فرهنگ

قومس، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۷۸.

صمدی، بیژن. چهارشنبه‌سوری، مجله هنر و مردم، شماره ۱۶۱.

صمدی، سیدمحمد. نوروز و آیین آن در میان کردان، مجله فروهر، سال سی‌ام، شماره ۱۱ و ۱۲.

ضیایی، نصرت‌الله. نوروز بیرون از مرزهای ایران، ایران فردا، ش ۳۱.

عبدلی، علی. نوروز در تالش، مجله چیستا، سال ششم، شماره ۷ و ۸.

عمرانی، ناهید. نوروز آیینی پیش آریایی در ایران، ایران فردا، ش ۴۱.

عناصری، جابر. پیک‌های نوروزی، مجله هنر و مردم، شماره ۵۳.

فریقی، احمد. چهارشنبه‌سوری در سمنان، مجله هنر و مردم، شماره ۱۸۴-۱۸۵.

مقدم، محمد. چهارشنبه‌سوری، مجله ادبیات دانشگاه تهران، سال پنجم، شماره ۳.

نرخشی، محمدبن جعفر. تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصرالقیسادی، تصحیح مدرس رضوی، چاپ دوم، انتشارات توس.

نفیسی، سعید. چهارشنبه‌سوری، مجله مهر، ش ۱۱، سال اول، ش ۱، سال دوم (نقل از لغت‌نامه دهخدا).

هنری، مرتضی. آیینهای نوروزی، مرکز مردم‌شناسی ایران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳.

هینلز، جان. شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی.

۶۴- جابر عناصری. آیین‌ها و مراسم چهارشنبه‌سوری و نوروز در اردبیل. چیستا، سال سوم، ش ۷، ص ۴۸۹.